

بازپژوهی مفهوم «سیره» در مطالعات شیعه

مهدی مردانی (گلستانی) / استادیار پژوهشکده علوم اسلامی بنیاد پژوهش‌های اسلامی مشهد mahdi_mardani@islamic-ri.ir
دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

چکیده

مفهوم‌شناسی اصطلاحات دینی یکی از مسائل بنیادینی است که کامیابی بسیاری از پژوهش‌های مرتبط، در گرو درستی و اعتبار آنهاست. یکی از واژگانی که به رغم بیان معانی و تعاریف گوناگون همچنان از فقدان یک مفهوم‌شناسی جامع و دقیق رنج می‌برد، واژه سیره است. این اصطلاح که حضور پررنگی در سیره‌پژوهی معاصر دارد، از جهات متعددی همچون رابطه با سنت، اشمال بر قول و اشتراط تکرار، مورد سؤال و ابهام قرار گرفته است. از این رو، پژوهش حاضر با تکیه بر مطالعات شیعی و از طریق سامان‌دهی یافته‌های پیشین و رفع ابهامات باقی مانده، پاسخی در خور درباره چپستی و ماهیت این اصطلاح دینی ارائه کرده است. نتیجه حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که سه مؤلفه فعل، روش و استمرار، جزء عناصر اصلی سیره هستند و در شکل‌گیری مفهوم سیره و تمییز آن از مفاهیم همسو تأثیر بسزایی دارند.

کلیدواژه‌ها: رفتارشناسی، سیره اهل بیت علیهم‌السلام، اندیشه شیعی.

مقدمه

مطالعات سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) یکی از حوزه‌های پژوهشی است که در سال‌های اخیر توجه زیادی به آن صورت گرفته و تحقیقات متعددی درباره آن به انجام رسیده است. با این همه، این حوزه پژوهشی از یک کاستی بزرگ رنج می‌برد و تاکنون نیز دستاورد روشی درباره آن به دست داده نشده است؛ زیرا به‌رغم دیدگاه‌های متعددی که درباره معنا و مفهوم سیره بیان شده، همچنان تعریف دقیق و جامعی از آن ارائه نشده و سؤالات متعددی درباره مفهوم سیره بی‌پاسخ مانده است؛ پرسش‌هایی مانند اینکه تفاوت سیره با سنت و تاریخ در چیست؟ آیا سیره شامل قول می‌شود؟ آیا استمرار در مفهوم سیره شرط است؟ آیا وجود روش در سیره لازم است؟ از این رو، ضروری است تا از طریق سامان‌دهی مطالعات پیشین و رفع ابهامات باقی‌مانده، پاسخی درخور درباره چستی و ماهیت این اصطلاح دینی ارائه گردد؛ خصوصاً آنکه این دست از مسائل جزء مباحث بنیادینی است که به دلیل وابستگی دیگر پژوهش‌ها به آن، می‌باید در اولویت قرار گیرد و به طور کامل و دقیق بدان پرداخته شود. برای این منظور، برخی پرسش‌هایی که موجب نمایاندن ابعاد مختلف مفهوم سیره می‌گردد، مطرح و با استناد به مصادر مختلف اسلامی و به روش توصیفی - تحلیلی پاسخ گفته شده است؛ بدین نحو که ابتدا معنا و مفهوم سیره بر پایه منابع مختلف لغوی، اصطلاحی، قرآن و حدیث و نیز استعمالات سیره و اندیشه محققان شیعه تبیین گردید و سپس برآیند مفهوم‌شناسی سیره به صورت تحلیلی ارائه شد.

گفتنی است، در این باره تلاش‌های ارزنده‌ای صورت گرفته و پژوهش‌های متعددی به نگارش درآمده است؛ کتاب‌های *سیری در سیره نبوی* (مطهری، ۱۳۹۴)؛ *سیری در سیره نویسی* (حجتی، ۱۳۷۱)؛ *سیره نبوی (منطق عملی)* (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳) هریک به فراخور مباحث خود به تعریف سیره پرداخته‌اند. همچنین برخی محققان در مقالات خود به تبیین معنای سیره همت گماشته و برخی وجوه آن را کاویده‌اند؛ برای نمونه، «تحلیلی بر سیره‌نگاری شیعیان تا قرن پنجم هجری» (حسینیان مقدم، ۱۳۹۷)؛ «سیره و قرآن» (راون، ۱۳۹۱)، و «قواعد شناسایی احادیث سیره نزد فریقین» (مهریزی و میر، ۱۳۹۳) از آن جمله‌اند؛ لکن هیچ‌یک از آثار یادشده به تحلیل همه‌جانبه مفهوم سیره نپرداخته‌اند و همه مسائل و ابهامات آن را پاسخ نگفته‌اند. علاوه بر آنکه رویکرد اصلی آثار یادشده تاریخی و قلمرو مطالعاتی آنها اسلامی بوده است؛ در حالی که رویکرد غالب این مقاله حدیثی است و بر اندیشه و مطالعات شیعی تمرکز دارد.

۱. مفهوم‌شناسی سیره

۱-۱. مفهوم واژگانی

واژه «سیره» به لحاظ هیئت کلمه، اسم مصدر یا مصدر نوعی از «سیر» است که به ترتیب به معنای رفتار و نوع رفتن است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۱۹)، لکن اکثر لغت‌شناسان شکل دوم را ترجیح داده و سیره را به معنای نوع رفتن دانسته‌اند (ابن سبیده، ۱۴۲۱ق، ص ۵۷۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۱۹؛ ابن منظور، بی‌تا، ص ۳۸۹). این واژه

به لحاظ ماده کلمه، دو استعمال حقیقی و مجازی دارد که در حالت اول به معنای رفتن، حرکت کردن و راندن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۲) و در حالت دوم معنای هیئت، سنت، حالت و عادت را افاده می‌دهد (جوهری، ۱۴۰۴ق، ص ۶۹۱). نتیجه‌ای که از بررسی واژگانی «سیره» به دست می‌آید، چنین است: ۱. ماهیت «سیره» بر فعل دلالت دارد و شامل قول نمی‌شود؛ چنان که رفتن و حرکت کردن - که معنای واژه «سیر» است - فعل محسوب می‌شود؛ ۲. با توجه به هیئت کلمه سیره (مصدر نوعی)، معنای سبک در مفهوم «سیره» اِشْراب شده است و سیره به رفتاری گفته می‌شود که نشان‌دهنده نوع، سبک و روش باشد؛ ۳. به لحاظ کاربرد لغوی، «سیره» همپا و هم‌معنای «سنت» است و این دو به صورت واژگان جانشین به کار می‌روند (صاحب‌بن عباد، ۴۱۴ق، ج ۸، ص ۳۷۵)؛ ۴. بر پایه دیدگاه برخی از صاحبان معاجم، بِن معنایی «سیره» بر استمرار دلالت دارد و واژه «سیر» به معنای جریان است که شب و روز امتداد داشته باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۲۰) و در نهایت از تحلیل واژگانی سیره چنین به دست می‌آید که کلمه «سیره» دارای دو بخش معنایی است: یکی حرکت و جریان، که از ماده کلمه اخذ می‌گردد؛ و دیگری سبک و نوع حرکت، که از هیئت کلمه به دست می‌آید.

۲-۱. مفهوم اصطلاحی

۱-۲-۱. فقه

آنچه از مجموع تعاریف ارائه شده در این رده از کتب مصطلحات حاصل می‌شود، آن است که «سیره» هم‌معنای «مغازی» است و به عنوان واژه جایگزین آن به کار می‌رود؛ چنان که نسفی (۵۳۷ق) واژه سیره را به امور مغازی تطبیق داده؛ همان گونه که واژه مناسک به امور حج انصراف پیدا کرده است (نسفی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۴۳). همچنین فیومی (۷۷۰ق) در خلال شرح واژگانی «سیره»، به معنای اصطلاحی آن در ادبیات فقها اشاره کرده و سیره را به معنای «مغازی» دانسته است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۲۹). از سوی دیگر، قونوی (۹۷۸ق) نیز واژه «سیره» را به معنای تعامل جنگ جویانه امام با کفار دانسته و اطلاق آن بر امور مغازی را از باب غلبه استعمال شرعی شمرده است (قونوی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۷۷). البته بعضی با تبیین مؤلفه‌های سیره، آن را به قول و فعل و تقریر پیامبر ﷺ در صحنه نبرد تفسیر کرده‌اند (صلاحات، ۱۳۸۵، ص ۱۴۲) و بعضی دیگر، اطلاق سیره بر مغازی را مخصوص سیره پیامبر ﷺ دانسته‌اند (مجددی برکتی، ۲۰۰۹، ص ۱۱۹). در این بین، برخی با اثرپذیری از دانش اصول فقه، قائل به توسعه مفهومی «سیره» شده و آن را به تلاوم روش عملی مردم معنا کرده‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۵۷۳).

۲-۱-۲. اصول فقه

اکثر کتاب‌هایی که در موضوع اصول فقه به تعریف «سیره» پرداخته‌اند، سیره را «استمرار عادت مردم» معنا کرده و با به کار بردن تعبیر مختلف، بر دو مؤلفه «روش» و «استمرار» تأکید ورزیده‌اند (عجم، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۷۹۱)؛

مختاری مازندرانی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۵؛ هلال، ۱۴۲۴ق، ص ۱۶۹؛ مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۴۹۵؛ در این میان، برخی با تقسیم مردم به «عقلا» و «مسلمانان»، بین اصطلاح «سیره» به معنای عام آن با دو اصطلاح «سیره عقلا» و «سیره مشرعه» تفاوت قائل شده‌اند (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۴۹۵)؛ برخی نیز با نسبت دادن واژه «سیره» به پیامبر ﷺ، سیره را اعم از اقوال و افعال دانسته و به اوصاف اخلاقی پیامبر ﷺ تفسیر کرده‌اند (سانو، ۱۴۲۷ق، ص ۲۴۰)؛ البته برخی هم با همسان‌پنداری واژه «سیره» با «عرف»، بر عمومی بودن و رواج آن تأکید نموده‌اند (سبحانی و همکاران، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۴۹).

۳-۲-۱. علوم حدیث

واژه «سیره» در اصطلاح‌نامه‌های حدیثی رونق چندانی ندارد و جز در موارد محدود، به تعریف آن پرداخته نشده است. برای نمونه، عبدالمجید غوری در تبیین معنای «سیره» بر دو ویژگی روش و استمرار تأکید کرده است (غوری، ۱۴۲۸ق، ص ۴۱۲). در عوض، اهتمام این دست از کتاب‌ها به واژه همنشین آن، یعنی «سنت»، پررنگ بوده و به تفصیل به بررسی تعاریف ارائه‌شده از آن پرداخته‌اند (جدیدی‌نژاد، ۱۴۲۲ق، ص ۷۹).

از مجموع تعاریف ذکر شده در این بخش چنین به دست می‌آید: ۱. معنای «سیره» با اصطلاح «مغازی» یکسان است و معمولاً بین سیره پیامبر ﷺ و مغازی ایشان، وحدت مصداق و منبع وجود دارد؛ ۲. سیره شامل قول نمی‌گردد و این ویژگی با ماهیت رفتاری «مغازی» نیز سازگار است؛ ۳. بین مفهوم سیره و سنت تفاوت وجود دارد و «سیره» بخش عملی سنت محسوب می‌شود؛ ۴. سیره در شکل مفرد خود بیشتر به معنای «عادت مستمر مردم» است و تنها در صورت اضافه شدن به پیامبر ﷺ معنای موردنظر در سیره‌پژوهی را افاده می‌دهد؛ ۵. روشمندی «سیره» و مستمر بودن آن، دو خصوصیتی است که در دانشنامه‌های اصول فقه مورد تأکید قرار گرفته‌اند؛ ۶. به‌رغم کاربرد فراوان «سیره» در مطالعات حدیثی، این اصطلاح در فرهنگ‌نامه‌های دانش حدیث بازتاب چشمگیری ندارد و بیشتر به توصیف اصطلاح همنشین آن، یعنی «سنت»، پرداخته شده است؛ ۷. بیشتر تعاریف ارائه‌شده از «سیره» در اصطلاح‌نامه‌های فقهی، توسط محققان اهل سنت صورت گرفته و فقهای شیعه کمتر به تعریف واژه سیره توجه نشان داده‌اند؛ ۸. این واژه در اصطلاح‌نامه‌های مرتبط با دانش تفسیر، فلسفه و کلام اسلامی انعکاس چندانی نداشته و تعریف مشخصی از آن به دست داده نشده است.

۳-۱. مفهوم دینی

آنچه تاکنون درباره معنا و مفهوم واژه سیره به دست داده شده، متکی بر کتب لغت و اصطلاح‌نامه‌های علوم اسلامی بوده است؛ لکن با توجه به صبغه دینی واژه سیره و نیز کاربرد آن در قرآن و سنت، شایسته است که به صورت تخصصی نیز مورد کاوش قرار گیرد و براینده متون قرآنی و روایی نسبت به مفهوم سیره مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۳-۱. قرآن

ماده «سیره» با مجموع مشتقات آن ۲۵ مرتبه در قرآن آمده که از این میان، تنها یک مرتبه با واژه «سیره» به کار رفته است: «قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى» (طه: ۲۱). این آیه خطاب به حضرت موسی است که پس از رها کردن عصا و تبدیل آن به مار بزرگ، به او فرمان داده شد که نترسد و آن مار را برگیرد که به زودی به حالت و شکل اولش (عصا) باز خواهد گشت. عموم مفسران در شرح این آیه شریفه، به تبیین واژگانی معنای «سیره» پرداخته و آن را به هیئت (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۶، ص ۱۱۸)، طریقه (شلی و همکاران، ۱۹۸۰، ج ۲، ص ۱۷۷)، حالت (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۳۴۲۱) و خلقت (طوسی و آقابزرگ تهرانی، بی تا، ج ۷، ص ۱۶۸) معنا کرده‌اند. تنها برخی از مفسران با ذکر دو ویژگی جریان و استمرار، به ارائه توصیف بیشتری از «سیره» پرداخته‌اند (همان) و برخی دیگر نیز با تبیین ریشه معنایی «سیره» به شرح مفهوم آن همت گماشته‌اند (شریف الرضی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۲۳).

۱-۳-۲. حدیث

واژه «سیره» در متون روایی بسامد بالایی دارد و جزء واژگان پرتکرار احادیث محسوب می‌شود؛ چنان که براساس تتبع صورت گرفته، واژه «سیره» بیش از چهار هزار مرتبه در متون حدیثی شیعه به کار رفته و در چهار سده نخست هجری، دست کم شانزده تن از عالمان شیعه در بیش از بیست کتاب حدیثی این واژه را به کار برده‌اند. از این رو، واژه «سیره» در احادیث، دامنه استعمالی گسترده و شبکه معنایی متنوعی دارد که با تحلیل آنها می‌توان به نکات مفهوم‌شناسانه جدیدی دست یافت.

یکی از نکاتی که از رهگذر پی جویی استعمال واژه سیره در احادیث به دست می‌آید، همنشینی آن با واژه «سنت» است که با وجود افاده برخی مشابهت‌ها، حکایت از تفاوت و تمایز این دو واژه با یکدیگر دارد؛ چنان که کاربرد دو واژه سیره و سنت در کنار هم (همنشین)، نه به جای هم (جانشین)، با ذکر کارکرد متفاوت برای هریک از آنها، نشان از ناهمگونی معنایی این دو تعبیر دارد. برای نمونه، احادیثی که بین سیره و سنت تفکیک کرده و برای هریک خصوصیتی مستقل ذکر نموده‌اند، از جمله شواهد این دوگانگی‌اند (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، خ ۹۴؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۷۴)؛ علاوه بر آنکه تفاوت ماهوی «سیره» و «سنت» و عدم اشتغال «سیره» بر قول معصوم، از دیگر وجوه اختلافی این دو واژه است.

نکته دیگر، عدم اشتراط «تکرار» در مفهوم سیره است. در واقع، تکرار فعل در تحقق مفهوم «سیره» لازم نیست و به رفتاری که تنها یک مرتبه انجام گیرد نیز «سیره» گفته می‌شود؛ چنان که به رفتار امیرمؤمنان علی علیه السلام در جنگ جمل و نیز عملکرد پیامبر صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه «سیره» اطلاق شده است (برقی، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۰؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۳۳). البته این نکته به معنای نفی ویژگی استمرار در مفهوم «سیره» نیست و در برخی متون روایی نیز نشانه‌هایی بر ایستادن «سیره» و تداوم رفتار معصوم ذکر شده است؛ چنان که احادیثی که با ترکیب «کان» و

«فعل مضارع» به بیان سیره معصوم می‌پردازند، از جمله این دست از متون اند که نقش استمرار در سیره را نشان می‌دهند (برقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۷۲؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۱۶۵).

در نهایت، نکته سومی که از خلال بررسی کاربرد واژه «سیره» در احادیث به دست می‌آید، نسبت سیره با مغازی است. «مغازی» در لغت از ماده «غزو» به معنای جنگ و درگیری است و در اصطلاح به اخبار جنگ‌هایی گفته می‌شود که در عصر پیامبر ﷺ و به فرماندهی ایشان صورت می‌گرفت (یعقوبی و منتظری مقدم، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳). بررسی متون روایی شیعه چنین نشان می‌دهد که واژه «سیره» شامل مغازی می‌شود و اخبار جنگ‌های پیامبر ﷺ جزو مصادیق سیره قرار می‌گیرد. گواه بر این مناسبت، روایتی است که اخبار جنگ را جزء مسائل سیره معرفی می‌نماید و وقتی راوی پرسش‌هایی را در موضوع سیره مطرح می‌کند، سؤال درباره جنگ و غنایم آن را به عنوان یکی از موارد سیره برمی‌شمارد (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲). علاوه بر این، تتبع در مصادیق سیره اهل بیت علیهم‌السلام نشان می‌دهد، برخی از رفتارهایی که به عنوان سیره معرفی شده‌اند در میدان جنگ و در صحنه نبرد رخ داده‌اند؛ چنان‌که عملکرد امیرمؤمنان علیه‌السلام در جنگ جمل از جمله این موارد است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۳۳). البته رابطه سیره با مغازی به نحو عموم خصوص من وجه است؛ یعنی سیره پیامبر ﷺ همیشه شامل اخبار نظامی نمی‌شود و گاه دیگر موضوعات زندگانی حضرت را نیز پوشش می‌دهد.

۱-۴. مفهوم کاربردی

یکی از روش‌هایی که به کمک آن می‌توان به معنا و مفهوم یک واژه دست یافت، پی‌جویی استعمال و کاربردهای آن واژه در متون اسلامی است. برای این منظور، بررسی اسامی کتاب‌هایی که اصطلاح موردنظر را به کار برده‌اند و نیز تتبع در عناوین ابوابی که از اصطلاح موردنظر استفاده کرده‌اند، دو مسیر متفاوتی است که ما را به یک نتیجه واحد - یعنی مفهوم رایج و متداول واژه سیره - رهنمون می‌سازد؛ از همین‌رو، برای دریافت مفهوم کاربردی واژه «سیره»، به بررسی منابعی پرداخته شده که کلمه «سیره» را در عنوان یا ابواب خود به کار برده‌اند.

۱-۴-۱. اسامی کتب

یکی از راه‌هایی که می‌تواند ابعاد تازه‌ای از مفهوم «سیره» را نمایان کند، بررسی کتاب‌هایی است که واژه سیره در عنوان آنها به کار رفته است. البته آنچه در این بررسی مورد توجه بوده، کلمه «سیره» است نه موضوع سیره! یعنی کتاب‌هایی که از سیره برای عنوان خود استفاده کرده‌اند؛ اما کتاب‌هایی که به موضوع سیره پرداخته، اما واژه «سیره» را در عنوان به کار نبرده‌اند، مورد بحث قرار نگرفته‌اند. برای این منظور، گزیده‌ای از آثاری که در پنج قرن نخست هجری کلمه سیره را در عنوان خود جای داده‌اند، انتخاب شده و براساس تاریخ حیات مؤلفانشان تنظیم گردیده‌اند.

الف) السیر و المغازی

این کتاب نوشته عروة بن الزبیر الأسدی (۹۱ق) است. به گزارش *واقعی* (ابن کثیر، ۱۳۹۸ق، ج ۹، ص ۱۰۱) و *صفدی* (صفدی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۷)، عروة بن زبیر جزو نخستین نگارندگان مغازی پیامبر ﷺ بوده و به اخبار مربوط به سیره نبوی نیز احاطه کامل داشته است؛ چنان که *دارقطنی* بسیاری از متون مغازی و سیره را از طریق هشام فرزند عروه اخذ کرده است (دارقطنی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۱۱).

ب) التاریخ و سیره معاویة

این کتاب نوشته عوانة بن الحکم بن عیاض الکلبی (۱۴۷ق) است. وی اهل کوفه و جزو راویان اخبار و آگاهان به شعر و انساب بوده و آثار متعددی را به رشته تحریر در آورده که از جمله آنها کتاب *التاریخ و سیره معاویة* است (ابن ندیم، ۱۳۴۶، ص ۱۳۴).

ج) السیره و المبتدأ و المغازی

این اثر نوشته محمد بن اسحاق بن یسار (۱۵۰ق) است. *ابن اسحاق* را نخستین نگارنده سیره پیامبر ﷺ می‌داند (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۵۴). وی که به «صاحب السیره» (ابن ندیم، ۱۳۴۶، ص ۱۳۶) و «رئیس اهل مغازی» (حاجی خلیفه، بی تا، ج ۲، ص ۱۰۱۲) نیز معروف است، در سیره و مغازی پیامبر ﷺ به چنان مرجعیتی رسیده بود که دیگر نویسندگان مغازی، نان خور وی شمرده می‌شدند (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۵۴). کتاب *سیره ابن اسحاق* که با نام *المبتدأ و المبعث و المغازی* نیز شناخته می‌شود، از کهن‌ترین آثار درباره شرح حال و سیره پیامبر ﷺ است که بعداً توسط *ابن هشام* (۲۰۳ق) تلخیص و با نام *السیره النبویة* منتشر شد.

د) السیره النبویة

این کتاب نوشته عبدالملک بن هشام حمیری معاقری (۲۱۸ق) است. کتاب *السیره النبویة* که به سیره *ابن هشام* شهرت یافته، یکی از دو منبعی است که در سیره و مغازی پیامبر اکرم ﷺ از اعتبار و شهرت زیادی برخوردارند. این کتاب در واقع همان *سیره ابن اسحاق* است که *ابن هشام* آن را تهذیب و تلخیص کرده است (سزگین، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۰۶).

از بررسی کتاب‌های یادشده چنین به دست می‌آید که واژه «سیره» از اصطلاحات دانش تاریخ بوده است. این واژه که عمدتاً در منابع اهل تسنن استفاده شده، جزء کهن‌ترین اصطلاحات علوم اسلامی است که ابتدا با عنوان «مغازی» و سپس با تعبیر «سیره» به کار رفته است؛ چنان که *فؤاد سزگین* نخستین کاربرد «سیره» در خصوص زندگانی پیامبر ﷺ را مربوط به دوره تابعین دانسته است (سزگین، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۵).

البته راویان و محدثان شیعه نیز سهم قابل توجهی در تدوین سیره نبوی داشته‌اند که متأسفانه بیشتر آنها در گذر زمان از بین رفته یا مفقود شدند؛ چنان که *حسین بن علی بن سفیان برفوری* کتاب *سیره النبویة و الأئمة فی المشرکین* (نجاشی،

۱۳۶۵، ص ۶۸)، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال *تَقْفَى* کتاب *السیرة* (همان، ص ۱۷) و *مَعْلَى* بن محمد البصری کتاب *سیرة القائم* (همان، ص ۴۱۸) را تألیف کرده‌اند و محمد بن مسعود عیاشی نیز کتاب‌های متعددی همچون *سیرة ابی بکر*، *سیرة عمر* و *سیرة عثمان* را به رشتهٔ تحریر درآورده است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۹۹). از سوی دیگر، دقت در واژگان همنشین «سیره» و حوزهٔ دانشی کاربرد آن (تاریخ)، چنین می‌نمایند که بیشترین مباحث مطروحه در سیره نبوی، احوال و حوادث زندگانی پیامبر ﷺ بوده و کمتر به مصادیق رفتاری ایشان پرداخته شده است؛ مسئله ای که در سیره پژوهی معاصر بیشتر مورد توجه بوده و محور مطالعات سیره نبوی قرار گرفته است.

۲-۴-۱. عناوین ابواب

عناوینی که مؤلفان آثار برای ابواب کتاب‌های خود برمی‌گزینند، حاوی داده‌ها و اطلاعات ارزشمندی است که در فهم متن، نقد محتوا و دیگر ابعاد متن‌شناسی به کار می‌آید (رضایی کرمانی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵ و ۱۲۶). یکی از فوایدی که از رهگذر تتبع در عناوین ابواب به دست می‌آید، جنبه‌های معناشناختی است که با مقایسهٔ عنوان و متن، نکات تازه‌ای را دربارهٔ اصطلاحات به کار رفته در عناوین به دست می‌دهد. بدین منظور، برای دستیابی به مفهوم کاربردی واژه «سیره»، شماری از کتاب‌های حدیثی شیعه (در پنج قرن نخست هجری) که از کلمه «سیره» در عنوان ابواب خود استفاده کرده‌اند، گزینش شده و براساس تاریخ وفات مؤلفان آنها گزارش شده است.

الف) الغارات

یکی از محدثانی که به تنظیم موضوعی احادیث توجه نشان داده و به باب‌بندی متون روایی پرداخته، ابراهیم بن هلال *تَقْفَى* (۲۸۳ق) صاحب کتاب *الغارات* است که کلمه «سیره» را در عنوان برخی از ابواب حدیثی به کار برده است. برای نمونه، وی برای نمایاندن مضمون احادیثی که غالب آنها رفتار امیرمؤمنان علی رضی الله عنه در قبال بیت‌المال را گزارش کرده‌اند، از واژه «سیره» استفاده کرده و این باب را «سیرتُه فی المال» نامیده است. *تَقْفَى* در باب یادشده، بیست حدیث نقل کرده که هر کدام گوشه‌ای از سلوک عملی حضرت نسبت به اموال عمومی مردم را روایت می‌کند. در مثل، حدیث اول و سوم، جارو کردن، آب پاشیدن و نماز خواندن امیرمؤمنان رضی الله عنه در محل نگهداری بیت‌المال را گزارش می‌کند (تقفی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۱)؛ حدیث دوم، از رفتار پیامبر ﷺ و امیرمؤمنان رضی الله عنه در عدم ذخیره‌سازی آذوقه برای فردا خبر می‌دهد (همان، ص ۳۲) و حدیث پنجم، عملکرد امیرمؤمنان رضی الله عنه در توزیع عادلانه درآمدهای حکومتی را روایت می‌کند (همان، ص ۳۴). با مقایسه و تطبیق عنوان «باب» با احادیث ذیل آن چنین به دست می‌آید که موضوع مداری (سیرهٔ اقتصادی)، ماهیت رفتاری و استمرار در عمل، سه ویژگی مهمی است که در ترسیم مؤلفه‌های مفهومی «سیره» تأثیر می‌گذارند.

ب) الکافی

محمّد بن یعقوب کلینی (۳۲۹ق) یکی دیگر از محدثان شهیر شیعه است که در نام‌گذاری برخی از ابواب کتاب *الکافی* از واژه «سیره» استفاده کرده است. وی در بخش «اصول» و کتاب «الحجّه»، بابی را با عنوان «سیره الإمام فی نفسه و فی المصلح و الملبس إذا ولی الأمر» گشوده و چهار حدیث ذیل آن نقل کرده است: حدیث اول سخنی از امیرمؤمنان علیه السلام است که درباره ضرورت ساده‌زیستی پیشوایان و لزوم همزیستی ایشان با فقرای جامعه بیان فرموده‌اند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۱۰)؛ حدیث دوم، فرمایشی از امام صادق علیه السلام است که از زندگی دشوار امام علیه السلام در شرایط قدرت و مکنّت خبر می‌دهد (همان)؛ حدیث سوم گزارشی از گفت‌وگوی امیرمؤمنان علی علیه السلام با عاصم بن زیاد است که وی را به دلیل فاصله گرفتن از خانواده و اشتغال به عبادت ملامت نمودند (همان) و حدیث چهارم روایتی است که تفاوت سیره امام صادق علیه السلام با امیرمؤمنان علیه السلام را در نوع لباس و کیفیت پوشش حکایت می‌کند (همان، ص ۴۱۱)؛ اما آنچه از بررسی و تطبیق عنوان باب با احادیث یادشده به دست می‌آید، این است که سیره معصوم به امور شرعی محدود نمی‌گردد و در امور شخصی مانند خوردن و پوشیدن نیز جاری می‌شود؛ افزون بر آنکه «سیره» به لحاظ مصادیق شامل «ترک» نیز می‌گردد و چنان‌که در حدیث سوم آمده است، اختصاصی به «فعل» ندارد.

ج) الجمل

محمّد بن محمد بن نعمان، معروف به شیخ مفید (۴۱۲ق)، دیگر عالم شیعی است که در عنوان برخی از فصول کتاب‌های خود از واژه «سیره» بهره گرفته است. برای نمونه، وی در کتاب *الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره*، فصلی را با تعبیر «فی سیره امیرالمؤمنین علیه السلام فی أهل البصره» نام نهاده و سه حدیث در ذیل آن نقل کرده است: نخستین حدیث از این فصل، توصیه‌ای است که امیرمؤمنان علیه السلام پس از پیروزی در جنگ جمل، خطاب به اصحاب خود ایراد فرمودند و ایشان را از کشتن افراد زخمی و دنبال کردن سربازان فراری برحذر داشتند (مفید، ۱۳۸۳، ص ۴۰۵). حدیث دوم پاسخی است که امیرمؤمنان علیه السلام درباره سؤالی در خصوص اسیر گرفتن زنان و فرزندان اصحاب جمل بیان فرمودند (همان) و حدیث سوم درباره شیوه امیرمؤمنان علیه السلام در تقسیم غنایم جنگی و کیفیت توزیع اموال بین سربازان است (همان، ص ۴۰۶). دقت در احادیث یادشده و نسبت‌سنجی آن با عنوان «سیره» چنین به دست می‌دهد که مفهوم سیره با انجام یک‌باره فعل (جنگ جمل) تحقق می‌یابد و الزامی به تکرار عمل معصوم نیست. دیگر آنکه، روشمندی و سبک‌مداری رفتار معصوم جزء مؤلفه‌های اصلی «سیره» است و فصل ممیز «سیره» از «فعل» معصوم به‌شمار می‌رود.

۵-۱. مفهوم اندیشه‌ای

برای مطالعه دقیق و همه‌جانبه مفهوم سیره، لازم است تا در کنار بررسی‌های واژگانی، اصطلاحی، دینی و کاربردی، مفهوم «سیره» از نظرگاه صاحب‌نظران شیعه نیز مورد کاوش قرار گیرد. در واقع، «مفهوم اندیشه‌ای» عنوانی است برای

بررسی معنای «سیره» در اندیشه عالمان و محققان شیعه و تحلیل دیدگاه ایشان درباره تعریف و چیستی سیره. برای این منظور، با تتبع در آثار شماری از اندیشمندان شیعه، آرا و نظرات ایشان درباره معنا و مفهوم سیره تبیین گردیده است.

۱-۵-۱. عالمان متقدم

عالمان متقدم شیعه تعریف روشن و مشخصی را درباره «سیره» به دست نداده‌اند؛ بلکه تنها با کاربست این واژه در متون و مکتوبات خود، تلویحاً به ارائه دیدگاه خود درباره مفهوم سیره پرداخته‌اند. از این رو، برای شناخت دیدگاه این گروه از دانشوران شیعه درباره مفهوم «سیره»، می‌باید با جست‌وجو در میان آثار ایشان، موارد کاربرد «سیره» را شناسایی و با تحلیل متن‌شناسی آنها، مقصود ایشان از معنای این واژه دینی را استخراج کرد. گفتنی است، منظور از «عالمان متقدم»، شماری از اعلام و بزرگان شیعه است که تا قرن پنجم هجری می‌زیسته و نقش برجسته‌ای در تفکر و اندیشه شیعی داشته‌اند.

الف) شیخ مفید

در نظرگاه شیخ مفید (۴۱۳ق)، واژه «سیره» عنوانی است برای گروهی از مؤلفان آثار اسلامی که غالباً در موضوع تاریخ اسلام قلم زده‌اند. وی از صاحبان این عنوان با تعابیری نظیر اصحاب (مفید، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۱۷)، اهل (همان، ص ۲۳۴)، نقله (همان، ص ۲۳۴) و علما (همان، ص ۳۶۵) یاد کرده که برخی از این عناوین (نقله) بیانگر نقش روایتگری ایشان نزد شیخ مفیدند و برخی دیگر (علما) نشان از اعتنای وی به این گروه از نویسندگان دارند. مضمون اخباری که شیخ مفید از طریق اصحاب سیره نقل کرده، غالباً تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام است که حوادث سیاسی و اجتماعی حیات ایشان را روایت می‌کنند (همان، ص ۲۲۵ و ۲۳۴). شیخ مفید از برخی افراد شاخصی که در این حوزه فعالیت داشته‌اند مانند: کلبی، مدائنی و ابن اسحاق نیز نام برده و به گزارش‌های ایشان استناد کرده است (مفید، ۱۳۸۳، ص ۱۴۷).

ب) سید مرتضی

در دیدگاه سید مرتضی (۴۳۶ق)، واژه «سیره» کارکردهای متنوعی دارد و در عرصه‌های مختلفی نقش ایفا می‌کند؛ چنان که «سیره» در کنار سنت به مثابه منبعی برای شناخت آموزه‌های دین معرفی شده (علم‌الهدی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۳۰) و به عنوان منبعی معتبر برای شناخت آسیب‌های حدیثی همچون تحریف مورد استناد قرار گرفته است (علم‌الهدی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۴۷). در باور سید مرتضی، مفهوم «سیره» آمیزه‌ای از دو مؤلفه روش و رفتار است؛ چنان که وی از مناسک حج با تعبیر «سیره» یاد کرده (علم‌الهدی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷) و رفتار امیرمؤمنان علیه‌السلام با اهل جمل را «سیره» خوانده است (علم‌الهدی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۳۰). این نشان از ماهیت رفتاری سیره و خصوصیت روشمندی آن دارد که در متون روایی شیعه نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

ج) شیخ طوسی

آرای شیخ طوسی (۱۳۶۰ق) دربارهٔ واژه «سیره»، در قالب سه ویژگی قابل بررسی و تحلیل است: نخست همسانی واژه «سیره» با «مغازی» است که به قرینهٔ کاربرد سیره همراه با واژهٔ جهاد به صورت دو واژه مترادف و جانشین به کار رفته است (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶ ص ۱۲۱)؛ دوم اعتبار سیره است که در صورت شهرت، کثرت نقل یا تواتر، به عنوان منبعی موثق مورد استناد قرار می‌گیرد (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۱۴۳) و سوم تفسیر «سیره» به تاریخ و سرگذشت افراد است که به صورت یادکرد برخی از صاحبان سیره (طوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۲۵) و نیز توصیف بعضی از افراد به این دانش (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۲۸) مورد استناد قرار گرفته است.

۲-۵-۱. محققان معاصر

محققان معاصر شیعه در زمینهٔ ضرورت مفهوم‌شناسی «سیره» هم‌داستان نبوده و تنها بعضی از ایشان به فراخور حوزهٔ دانشی خود به اظهارنظر در این باره پرداخته‌اند. در این میان، برخی با اختصاص بخشی از آثار خود به تعریف سیره، به این مهم توجه نشان داده‌اند و برخی دیگر ضمن مباحث گوناگون، به نکاتی دربارهٔ ویژگی‌های مفهومی سیره اشاره کرده‌اند. از این رو، کسانی برای انعکاس آرای محققان معاصر انتخاب شده‌اند که اولاً از چهره‌های شاخه شدهٔ دوره معاصر باشند؛ ثانیاً صاحب رأی و نظری مشخص دربارهٔ مفهوم سیره باشند و ثالثاً دیدگاه ایشان در یک اثر مکتوب منتشر شده باشد. بر این اساس، برای آشنایی با اندیشهٔ این گروه از محققان شیعی، کلمات ایشان مطالعه شد و پس از تحلیل و بررسی تبیین گردید.

الف) مرتضی مطهری

استاد شهید مرتضی مطهری از معدود صاحب‌نظرانی است که به تعریف «سیره» توجه ویژه‌ای نشان داده و به‌طور مفصل به مفهوم‌شناسی آن پرداخته است. وی با الهام از معنای واژگانی سیره، بین «سیر» و «سیره» فرق گذاشته و سیره را نشان‌دهندهٔ نوع و سبک رفتار دانسته است. او ضمن تشریح معنای «سبک» در ادبیات، هنر و فلسفه، سیره‌شناسی را سبک‌شناسی معنا کرده و سیرهٔ پیامبر ﷺ را به معنای سبک رفتاری پیامبر ﷺ دانسته است (مطهری، ۱۳۹۳، ص ۴۸). او همچنین با عنایت به اینکه رفتار پیامبر ﷺ تابع اصول و معیارهای مشخصی است که در شرایط و موقعیت‌های مختلف تغییر نمی‌کند، تعبیر «منطق عملی» را به‌عنوان واژهٔ جایگزین «سیره» برگزیده است (همان، ص ۶۷۰).

ب) سیدمحمدباقر حجتی

سیدمحمدباقر حجتی با اعتقاد به ترادف معنایی دو واژهٔ سیره و مغازی، منظور از کتب «سیر» را کتاب‌هایی می‌داند که دربارهٔ طریقه و روش رفتار پیامبر ﷺ گفت‌وگو می‌کنند و در ضمن آن غزوات پیامبر ﷺ را نیز گزارش می‌دهند. ایشان با استناد به سخن ابن‌کثیر که از *سیرهٔ ابن‌اسحاق* با عنوان مغازی یاد کرده، معتقد است که در تاریخ از کتب سیره با تعبیر مغازی یاد می‌شده و هر دو کلمه به یک معنا به کار می‌رفته‌اند (حجتی، ۱۳۷۱، ص ۲۹).

ج) مصطفی دلشاد تهرانی

استاد دلشاد تهرانی مفهوم شناسی سیره را با بحث دربارهٔ واژهٔ «سیره» آغاز کرده و با استناد به دیدگاه لغت‌شناسان، سیره را نوع رفتار و طریقهٔ زندگی معنا نموده است. وی در تبیین معنای اصطلاحی سیره، «علم‌السیر» را نخستین رشتهٔ تاریخی دانسته، که مورد توجه مسلمانان قرار گرفته است. او بر این باور است که واژهٔ «سیره» در مفهوم اصطلاحی خود، در قالب شرح احوال و تاریخ زندگی پیامبر ﷺ شکل گرفته و رواج یافته است؛ در حالی که «سیره‌شناسی» به معنای «رفتارشناسی» است. وی با بهره‌گیری از سخن شهید مطهری که «سیره‌شناسی» را «سبک‌شناسی» خوانده (مطهری، ۱۳۹۳، ص ۴۹)، سیره‌شناسی را شناخت اصول و روش‌هایی دانسته که فرد در رفتار و کردار خود دارد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۷-۴۹).

د) مهدی مهریزی

به اعتقاد مهریزی، سه واژهٔ فعل، سیره و سنت، که گاه به یک معنای به کار می‌روند، با یکدیگر فرق دارند. «فعل» زمانی است که کاری یک بار اتفاق بیفتد و تا زمانی که تکرار نشود، «سیره» نمی‌شود؛ و سیره تا زمانی که مجموعهٔ زندگی را شامل نشود، «سنت» نمی‌شود. وی با استشهاد به حدیث نبوی که فرمود: «اگر مطلبی به من نسبت داده شود، آن را به قرآن و سنت عرضه کنید»، «سنت» را به منش شخصی و مجموعهٔ اقوال و افعال معصوم تفسیر کرده و آن را ملاک تشخیص احادیث سره از ناسرهٔ پیامبر ﷺ خوانده است. وی یکی از راه‌های تشخیص «فعل» از «سیره» را نشانه‌های ادبی متن دانسته است که مثلاً با ورود «کان» بر سر فعل مضارع می‌توان استمرار در عمل معصوم را تشخیص داد و سیره بودن فعل را احراز کرد (جمعی از اساتید، ۱۳۹۷، ص ۶۱-۶۳).

شایان ذکر است که برخی از چهره‌های سیره‌پژوه معاصر، همچون سیدجعفر مرتضی‌عاملی، باقر شریف قرشی، هاشم معروف حسنی و رسول جعفریان، با وجود تألیف آثار ارزشمندی دربارهٔ سیرهٔ اهل بیت علیهم‌السلام به مفهوم‌شناسی «سیره» نپرداخته و تعریف روشنی از آن به‌دست نداده‌اند.

۲. تحلیل عناصر مفهومی سیره

برایند مطالعه آرا و مستندات ذکرشده دربارهٔ مفهوم «سیره»، چنین به دست می‌دهد که سه مؤلفهٔ مهم در شکل‌گیری مفهوم «سیره» اثرگذار است و جزء عناصر اصلی ماهیت آن به‌شمار می‌آید. برخی سؤالاتی که پاسخ‌گویی به آنها به شناسایی مؤلفه‌های یادشده کمک می‌رساند، چنین‌اند: آیا «سیره» تنها بر فعل معصوم دلالت دارد یا شامل قول ایشان هم می‌شود؟ آیا وجود سبک یا روش در مفهوم سیره الزامی است؟ و آیا تلاوم و استمرار در تحقق مفهوم سیره شرط است؟ بر این اساس، با تکیه بر داده‌هایی که از منابع مختلف اسلامی به‌دست آمده و نیز ارزیابی آرای محققان شیعی دربارهٔ مفهوم سیره، به این سؤالات پاسخ داده شده و دیدگاه برگزیده در قالب سه عنوان ذیل ارائه گردیده است.

۲-۱. فعل

بررسی داده‌های مختلف لغوی، اصطلاحی، دینی و کاربردی چنین به دست می‌دهد که اصلی‌ترین عنصر مفهوم سیره، «فعل» است؛ چنان که واژه «سیر» - که بر رفتن و حرکت کردن دلالت دارد - فعل محسوب می‌شود (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۱۹) و مترادف معنایی واژه «سیره» با «مغازی» نیز نشان از ماهیت فعلی سیره دارد (حجتی، ۱۳۷۱، ص ۲۹). افزون بر این، متون روایی شیعه و نیز عناوینی که مؤلفان کتب حدیثی برای آن برگزیده‌اند، نکته یاد شده را افاده می‌دهد (تقفی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۱؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۱۰؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶ ص ۱۲۱).
 باین همه، بعضی از احادیث، حکایت از اشتغال سیره بر قول معصوم دارند (صدوق، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۹) و بعضی فرهنگنامه‌ها نیز سیره را به قول و فعل و تقریر پیامبر ﷺ تفسیر کرده‌اند (سانو، ۱۴۲۷ق، ص ۲۴۰) و برخی از محققان هم اقوال مستمر معصوم را سیره خوانده‌اند (جمعی از اساتید، ۱۳۹۷، ص ۶۳). از این رو، لازم است تا برای اثبات دیدگاه یاد شده، به بررسی مستندات مخالف پرداخت که از این میان، تنها روایاتی که حکایت از اطلاق سیره بر قول معصوم دارند، نقد می‌شوند و دیگر موارد، به دلیل فقدان منبع و مستند، مورد بررسی قرار نمی‌گیرند.

اما در خصوص احادیثی که عنوان «سیره» را برای قول معصوم به کار برده‌اند، باید اظهار داشت که به لحاظ بسامد و تعداد متون روایی، شمار احادیثی که قول معصوم را سیره خوانده‌اند، بسیار اندک‌اند و دلالت روایاتی که بر فعل بودن سیره تصریح دارند، بسیار بیشتر است. دیگر آنکه، ذکر مصادیق قولی برای عنوان سیره در برخی از احادیث، از باب بیان صفات اخلاقی بوده است و ارتباطی به ماهیت سیره ندارد؛ چنان که روایتی که سلوک اجتماعی پیامبر ﷺ را نقل می‌کند و از برخی ویژگی‌های گفتاری پیامبر ﷺ تعبیر به «سیره» می‌نماید (صدوق، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۹)، در حقیقت به توصیف فضایل اخلاقی پیامبر ﷺ می‌پردازد که خاستگاهی فطری و جبلّی دارد. در واقع، راوی (هندبن ابی‌هاله) می‌گوید: پیامبر ﷺ «فخّاش» نبود و این غیر آن است که «فحش نمی‌داد»؛ چراکه اولی به صفتی اخلاقی اشاره دارد که در طول حیات پیامبر ﷺ استمرار داشته است و دومی ترک قولی (فحش) است که یک مصداق و نمونه عینی از آن صفت محسوب می‌شود؛ علاوه بر آنکه بر پایه یک نظریه زبان‌شناختی، گفتار انسان نیز فعل محسوب می‌شود و سخن گفتن، در حقیقت، وارد شدن در نوعی رفتار قاعده‌مند است (سرل، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷). از این رو، بر پایه این فرضیه می‌توان اقوال مستمر معصوم را نیز سیره محسوب کرد و متون دال بر قول بودن سیره را توجیه نمود.

شایان ذکر است که «فعل» در اصطلاح روایات، هر گونه کنش و واکنش غیر قولی است که در مواجهه با وقایع و مسائل جاری زمان ظهور پیدا می‌کند؛ خواه ایجاد یا امتناعی؛ مستمر و متداوم باشد یا مقطعی و دفعی (مردانی گلستانی، ۱۳۹۸، ص ۱۵)؛ چراکه گاه فعل معصوم مستقیماً و به منظور القای یک پیام دینی صادر می‌شود (کنش)، و گاه در مواجهه با موقعیتی بیرونی انجام می‌پذیرد (واکنش) گاه به شکل ایجاد رخ می‌دهد (انجام) گاه شکل امساک و واگذاشتن ظهور دارد (ترک)؛ همچنین گاه معصوم چیزی را با سکوت و سکون خود تأیید می‌کند (تقریر) و گاه با ردع قولی یا فعلی آن را انکار می‌نماید.

۲-۲. روش

با توجه به شواهد مختلف لغوی و روایی، چنین می‌توان گفت که دومین عنصر مؤثر در مفهوم سیره، «روش» است؛ چنان که هیئت کلمه سیره (مصدر نوعی)، معنای روش را می‌رساند (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۱۹) و فحوای برخی از متون روایی نیز روشمند بودن سیره معصوم را افاده می‌دهد (طبری، ۱۴۱۵ق، ص ۳۶۵). در واقع، رفتاری نشان دهنده منش و سلوک عملی معصوم است که روشمند باشد و از یک رویه خاص پیروی کند؛ زیرا یکی از خصوصیات که موجب تمایز ماهوی سیره معصوم از دیگر رفتارهای مشابه می‌گردد یا سیره یک معصوم با معصوم دیگر را متفاوت می‌سازد، روش و طریقه‌ای است که عملکرد معصوم بر پایه آن انجام گرفته است. برای مثال، سیره پیامبر ﷺ در امور فردی به دلیل برخورداری از روش ساده‌زیستانه، با سیره پادشاهان متفاوت بوده (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۲۱۷) و سیره امیرمؤمنان ﷺ در تعامل با منافقان، به دلیل روش مجاهدانه، با سیره پیامبر ﷺ فرق داشته است (بنی‌عصار و مردانی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۵-۱۱۷).

شایان ذکر است که پیش‌تر، برخی از محققان نیز بر لزوم دخالت «روش» در مفهوم سیره تأکید ورزیده‌اند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۷؛ محمدی ری شهری، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۹؛ مطهری، ۱۳۹۳، ص ۴۸)؛ لکن آنچه این نگره را از آرای پیشین متفاوت می‌سازد، انتخاب تعبیر «روش» به جای واژه «سبک» است؛ چراکه کلمه «روش» در انعکاس ویژگی‌های صوری (شکلی) سیره موفق‌تر بوده و با مستندات موجود نیز سازگاری بیشتری دارد؛ اما واژه «سبک»، مفهومی خردتر و جزئی‌تر از «روش» دارد و «سبک‌شناسی» یکی از روش‌های متن‌محور است که در ساحت لفظ کارایی دارد و با تکیه بر الفاظ و شیوه ترکیب آنها، به ارزیابی متون می‌پردازد (مردانی گلستانی، ۱۳۹۹، ص ۱۶۸). به دیگر سخن، با تحلیل ساختار مفهومی «سیره» چنین به دست می‌آید که ماهیت سیره، از یک منظر بر پایه چهار علت اصلی استوار است: علت فاعلی، علت مادی، علت صوری و علت غایی (مصباح، ۱۳۶۶، ص ۲۰؛ مطهری، ۱۳۸۴، ج ۶، ص ۶۷۶). بر پایه این مبنا، «معصوم ﷺ» در جایگاه علت فاعلی قرار می‌گیرد؛ «فعل» به عنوان علت مادی شناخته می‌شود؛ «روش» نقش علت صوری را ایفا می‌کند و «تربیت» به منزله علت غایی شناخته می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۸). از این رو، کارکرد «روش» در هندسه مفهومی سیره، صورت‌بندی و شکل‌دهی رفتار معصوم است که علاوه بر ایجاد تنوع در عملکرد معصومان، موجب تسهیل الگوگیری و بهره‌گیری مخاطب از آن می‌شود.

۲-۳. استمرار

سومین عنصر تأثیرگذار در مفهوم سیره، «استمرار» است؛ چنان که بر پایه دیدگاه برخی از لغت‌شناسان، بُن معنایی «سیره» بر استمرار دلالت دارد و واژه «سیر» به معنای جریانی است که شب و روز امتداد داشته باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۲۰). همچنین در برخی تعاریف ارائه شده از «سیره»، بر وجود مؤلفه استمرار اصرار ورزیده شده

(عجم، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۷۹۱) و در بعضی تفاسیر شیعه، به مستمر بودن سیره اشاره رفته است (طوسی و آقا بزرگ تهرانی، بی تا، ج ۷، ص ۱۶۸)؛ علاوه بر آنکه لازمه روشمندی سیره، استمرار آن است و زمانی می توان از فعل معصوم «روش» برداشت کرد که آن فعل در جریان بوده و تداوم داشته باشد؛ از این رو، در برخی متون حدیثی، از ادات استمرار (کان + فعل مضارع) برای گزارش سیره استفاده شده و بر دخالت این عنصر در مفهوم سیره تأکید شده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۱۱). البته این نکته لزوم «تکرار» فعل را نمی رساند و مفهوم سیره با انجام یک باره فعل نیز تحقق می یابد؛ زیرا اساساً بین دو واژه «تکرار» و «استمرار» تفاوت وجود دارد و تکرار به معنای انجام چندباره فعل است و استمرار به معنای دوام و امتداد فعل (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۳۰ و ۵۶۸). علاوه بر آنکه مطالعه موردی برخی از نمونه های سیره اهل بیت علیهم السلام مانند سیره امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ جمل و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فتح مکه، نیز نشان از یک رخداد واحد در سیره معصوم دارد.

نتیجه گیری

واژه سیره یکی از اصطلاحات پرسابقه در مطالعات شیعه است که در دانش های متعددی نظیر فقه، اصول فقه و علوم حدیث کاربرد داشته است. تنوع این دانش ها نشان می دهد که واژه «سیره» اصطلاحی بین رشته ای است و گستره دانشی سیره پژوهی، شماری از علوم اسلامی را دربر می گیرد. این واژه در متون روایی نیز بسامد بالایی دارد و از دامنه استعمالی گسترده و شبکه معنایی متنوعی برخوردار است. همچنین از بررسی دیدگاه محققان شیعه درباره مفهوم سیره، چنین به دست می آید که ویژگی های مفهوم شناسانه سیره در چند محور خلاصه می گردد که مهم ترین آنها عبارت اند از: ماهیت سیره، تفاوت سیره و سنت، و حوزه دانشی سیره. از این رو، بر ایند مطالعه آرا و مستندات ارائه شده درباره مفهوم «سیره» چنین به دست می دهد که سه مؤلفه فعل، روش و استمرار، در شکل گیری مفهوم «سیره» تأثیرگذارند و جزء عناصر اصلی ماهیت آن به شمار می آیند.

منابع

نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.

ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ق، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق اسعد محمد طیب، ج سوم، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.

ابن سیده، علی بن اسماعیل، ۱۴۲۱ق، *المحکم و المحيط الأعظم*، تحقیق عبدالحمید هنداوی، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الإسلامی.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۳۹۸ق، *البدایه و النهایه*، تحقیق خلیل شحاده، بیروت، دارالفکر.

ابن منظور، محمد بن مکرّم، بی تا، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق، ۱۳۴۶، *الفهرست*، تهران، بانک بازرگانی ایران.

امین، محسن، ۱۴۰۳ق، *اعیان الشیعه*، تحقیق حسن امین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.

برقی، احمد بن محمد، بی تا، *المحاسن*، تحقیق جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الاسلامیه.

بنی عصار، امیر و مهدی مردانی (گلستانی)، ۱۳۹۳، «مقایسه و تحلیل مواجهه رسول اکرم و امیر مؤمنان با منافقان»، *حدیث حوزه*، ش

۹، ص ۱۰۵-۱۱۷.

ثقفی، ابراهیم بن محمد، ۱۳۹۵، *الفارقات*، تحقیق جلال الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی.

جدیدی نژاد، محمدرضا، ۱۴۲۲ق، *معجم مصطلحات الرجال و الدراریه*، قم، دارالحدیث.

جمعی از اساتید، ۱۳۹۷، *سیره پژوهی (سلسله نشست های علمی گروه سیره معصومین)*، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.

جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۴ق، *الصحاح*، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین.

حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، بی تا، *کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون*، تحقیق شهاب الدین مرعشی، بیروت، دار احیاء

التراث العربی.

حجتی، سیدمحمدباقر، ۱۳۷۱، *سیری در سیره نویسی*، مشهد، کنگره جهانی امام رضا (ع).

حسینیان مقدم، حسین، ۱۳۹۷، «تحلیلی بر سیره نگاری شیعیان تا قرن پنجم هجری»، *تاریخ اسلام*، ش ۳۳، ص ۷-۴۰.

دارقطنی، علی بن عمر، ۱۴۰۶ق، *المؤتلف و المختلف*، بیروت، دار المغرب الإسلامی.

دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۸۳، *سیره نبوی (منطق عملی)*، تهران، دریا.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار الشامیه.

راون، وین، ۱۳۹۱، ترجمه نصرت نیل ساز، «سیره و قرآن»، *آینه پژوهش*، ش ۱۳۴، ص ۵-۲۱.

رضایی کرمانی، محمدعلی و همکاران، ۱۳۸۹، «روش نقد و بررسی عنوان کتب و ابواب حدیثی از نگاه علامه محمدتقی

شوشتری»، *حدیث پژوهی*، ش ۴، ص ۱۱۳-۱۴۰.

سانو، قطب مصطفی، ۱۴۲۷ق، *معجم مصطلحات أصول الفقه*، دمشق، دار الفکر.

سبحانی، جعفر و همکاران، ۱۳۷۹، *فرهنگ اصطلاحات اصول*، تدوین مجتبی ملکی اصفهانی، قم، عالمه.

سرل، جان، ۱۳۸۷، *افعال گفتاری، جستاری در فلسفه زبان*، ترجمه محمدعلی عبداللهی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

سزگین، فواد، ۱۴۱۲ق، *تاریخ التراث العربی*، تحقیق عرفه مصطفی، سعید عبدالرحیم و محمود فهمی حجازی، قم، کتابخانه آیت الله

مرعشی نجفی.

شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۰۶ق، *تلخیص البیان فی مجازات القرآن*، بیروت، دار الاضواء.

- شلبی، عبدالفتاح اسماعیل و همکاران، ۱۹۸۰، *معانی القرآن*، تحقیق احمد یوسف نجاتی، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- صاحب‌بن عباد، اسماعیل بن عباد، ۱۴۱۴ق، *المحیط فی اللغة*، تحقیق محمدحسن آل یاسین، بیروت، عالم الکتب.
- صدوق، محمدبن علی، بی‌تا، *عیون اخبار الرضا*، تحقیق مهدی لاجوردی‌زاده، تهران، جهان.
- صفدی، خلیل‌بن ابیک، ۱۳۸۱ق، *الوافی بالوفیات*، بیروت، دار النشر فرانز شایتر.
- صلاحات، سامی محمد، ۱۳۸۵، *معجم المصطلحات السياسية فی تراث الفقهاء*، قاهره، مكتبة الشروق الدولية.
- طبرسی، حسن‌بن فضل، ۱۳۷۰، *مکارم الأخلاق*، قم، شریف‌الرضی.
- طبری، محمدبن جریر، ۱۴۱۵ق، *المسترد فی امامة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب*، تحقیق احمد محمودی، تهران، مؤسسه الثقافة الإسلامية لکوشانیور.
- _____، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ق، *الأملی*، قم، دار الثقافة.
- _____، و آقابزرگ تهرانی، بی‌تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد حبیب عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- _____، ۱۳۶۳، *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- _____، ۱۳۶۵، *تهذیب الأحکام*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- _____، ۱۳۸۲، *تلخیص الشافی*، تحقیق حسین بحر العلوم، قم، محبین.
- _____، ۱۴۲۰ق، *فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول*، تحقیق عبدالعزیز طباطبایی و مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، مكتبة المحقق الطباطبائی.
- _____، ۱۴۲۷ق، *رجال الطوسی*، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، جامعه مدرسین.
- عجم، رفیق، ۱۹۹۸م، *موسوعة مصطلحات أصول الفقه عند المسلمین*، تحقیق رفیق عجم، بیروت، مكتبة لبنان ناشرون.
- علم‌الهدی، علی‌بن حسین، ۱۴۰۷ق، *الشافی فی الإمامة*، تحقیق فاضل حسینی میلانی، تهران، مؤسسة الصادق.
- _____، ۱۳۸۷، *جمل العلم والعمل*، تحقیق احمد حسینی اشکوری، نجف اشرف، مطبعة الآداب.
- _____، ۱۴۰۵ق، *رسائل الشریف المرتضی*، تحقیق مهدی رجایی و احمد حسینی اشکوری، قم، دار القرآن الکریم.
- _____، ۱۴۳۱ق، *تفسیر الشریف المرتضی*، تحقیق محتبی احمد موسوی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- غوری، عبدالماجد، ۱۴۲۸ق، *معجم المصطلحات الحدیثیة*، دمشق، دار ابن کثیر.
- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، ۱۴۱۵ق، *القاموس المحیط*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- فیومی، احمدبن محمد، ۱۴۱۴ق، *المصباح المنیر*، تحقیق عبدالکریم‌بن محمد رافعی قزوینی، قم، دار الهجره.
- قونوی، قاسم‌بن عبدالله، ۱۴۲۷ق، *أنیس الفقهاء فی تعریفات الألفاظ المتداولة بین الفقهاء*، ریاض، دار ابن الجوزی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۳، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مجددی برکتی، محمد عمیم‌الاحسان، ۲۰۰۹م، *التعریفات الفقهیة*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۹۴، *سیره پیامبر خاتم*، ترجمه عبدالهادی مسعودی، قم، دار الحدیث.
- مختاری مازندرانی، محمدحسین، ۱۳۷۷، *فرهنگ اصطلاحات اصولی*، تهران، انجمن قلم ایران.
- مردانی گلستانی، مهدی، ۱۳۹۸، *توسعه استنباط از فعل معصوم*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- _____، ۱۳۹۹، «طرق التحرری فی مصداقیة نهج البلاغة فی وحدة القیاس»، *دراسات حدیثیة فی نهج البلاغة*، ش ۶ ص ۱۴۱-۱۵۲.
- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹، *فرهنگ‌نامه اصول فقه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۶۶، *آموزش فلسفه*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

مطهری، مرتضی، ۱۳۹۳، *سیری در سیره نبوی*، تهران، صدرا.

_____، ۱۳۸۴، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.

مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۳۷۶، *الارشاد*، ترجمه محمدباقر بهبودی و محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیة.

_____، ۱۳۸۳، *الجمل*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.

نجاشی، احمدبن علی، ۱۳۶۵، *رجال النجاشی*، تحقیق موسی شبیری زنجانی، قم، جامعه مدرسین.

نسفی، عمر بن محمد، ۱۴۱۸ق، *طلبة الطلبة فی الاصلاحات الفقهية*، تحقیق محمدحسن اسماعیل شافعی، بیروت، دار الکتب العلمیه.

هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، ۱۳۹۲، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.

هلال، هیشم، ۱۴۲۴ق، *معجم مصطلح الاصول*، تحقیق محمد تونجی و هیشم هلال، بیروت، دار الجیل.

یعقوبی، مهدی و حامد منتظری مقدم، ۱۳۹۳، «بررسی دانش مغازی‌نگاری با تأکید بر مغازی واقدی»، *معرفت*، ش ۱۹۶، ص